پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (یازدهم) دوشنبه ۳۰ ثور ۱۳۴۷ ه ۲۰ می ۱۹۶۸ ع

در باره جنبش آزادیبخش ملی

و پروبلمهای حیاتی در کشور های کم رشد و نو بنیاد

بارق شفیعی

از آنجاییکه جهان بینی علمی خلاق مورد حمله اپورتونیست های «راست» و «چپ» قرار گرفته است، پرچم ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق، به اطلاع هموطنان، دوستان و رفقای صدیق خلق کارگر وطن محبوب ما افغانستان می رساند که: در شماره های آینده در چوکات شرایط و اصول اخلاق عالیه مترقی و طن پرستانه و بدون تلقیات ذهنی، بر مبنای ماخذ تئوری مترقی و پیشرو، مطالب تئوریک زیرین را« تحت عنوان جنبش آزادی ملی و پروبلم های حیاتی در کشور های کم رشد و نو بنیاد» تلخیص و ترجمه کرده و در معرض نشر قرار میدهد.

۱- وضع موجود جنبش آزادی بخش ملی.

۲- جنبش آزادی بخش ملی و راه رشد غیر سرمایه داری.

۳- پروبلم های حیاتی راه رشد غیر سرمایه داری.

- مقدمات تئوریک
- تجربه تاریخی
- مقدمات راه رشد غیر سرمایه داری
- اهداف دموکراتیک ملی
- جبهه متحد دموکراتیک ملی
- دولت دموکراسی ملی

٤ جهان بینی علمی خلاق و پروبلم های انقلابهای آزادیبخش ملی.

٥- طبقه کارگر و انقلابهای آزادیبخش ملی.

- مسخ مفاهیم و تضاد های زنده گی
- سرمایه داری دولتی در پرده سوسیالیزم
- قرن ۱۸ ــ قرن ۲۰
- قشر متوسط در قدرت
- تئوری و پراتیک راه غیر سرمایه داری
- دورنمای نوین
- آفریقا در جستجوی راه است

٦- نقش ملل در حال انکشاف در امور بین المللی.

- خلقها و خلع سلاح
- ملل متحد و کشور های در حال انکشاف
- وحدت ضامن پیروزی است

۷- جنبش آزادی بخش ملی بخش انفکاک ناپذیر پروسه انقلاب جهانی

طبقات و مبارزه طبقاتی

-۳-

ببرک کارمل

مبارزه طبقاتی در کشورهای کم رشد و نو بنیاد:

هم اکنون واحد های جدیدی از کارگران و زحمتکشان جوان در کشور های آزاد شده آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین که تا کنون در تحت نفوذ امپریالیزم و تسلط فیودالیزم قرار دارند، وسیعا در مبارزه رهایی بخش به پیش میرود و سازمانهای سیاسی آنها بر مبنای جهان بینی تشکیل شده و رشد میابد و بیش از پیش به نیروی ملی با اعتبار و مورد قبول عامه تبدیل میشوند و قشر های وسیعی از زحمتکشان را رهبری میکنند و در راه سوق پیگیر جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فیودالی به سرمنزل غایی آن و در راه ایجاد دولت دموکراسی ملی و ترقی و تعالی اجتماعی، بدون طی مرحله سرمایه داری رشد یافته، متحدانه مبارزه میکنند.

پیگیر ترین مبارز در راه به انجام رساندن جنبش دموکراتیک و ملی، در راه تکامل و ترقی اجتماعی و تامین مصالح ملی، طبقه کارگر است. با رشد و تکامل صنایع در این کشورها صنوف طبقه کارگر و نقش وی در زنده گی اجتماعی و سیاسی رو به افزایش میگراید. اتحاد طبقه کارگر و دهقانان شرط اساسی پیروزی مبارزه در راه تحولات بنیادی و کیفی و تامین پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و هسته جبهه متحد دموکراتیک و ملی است. بدینترتیب در کشور های کم رشد و نو بنیاد بموازات رشد تضادهای موجود بین زحمتکشان و طبقات ثروتمند، مبارزه طبقاتی نیز بمثابه نیروی محرکه و منبع تکامل جامعه درخشان تر و مشکل تر میگردد و علی القاعده شرایط اساسی تکامل مترقی تر و سریع تر جوامع این کشور ها را تدارک می بیند تا به هدف غایی یعنی ساختمان جامعه سوسیالیستی ارتقا یابند و برای همیشه به ظلم و ستم و استثمار انسان از انسان پایان دهند.

اشکال عمده مبارزه طبقاتی کارگران مزدور:

مبارزه طبقاتی کارگران مزدور (رنجبران یا زحمتکشان یا پرولتاریا) دارای سه شکل عمده اقتصادی، سیاسی و ایدیولوژیکی است که هیچیک از آنها را نمیتوان مطلق کرد و متناسب با شرایط باهم در ارتباط ناگسستنی و منطقی دارد.

مبارزه اقتصادی عبارت از مبارزه طبقه کارگر بمقصد بهبود شرایط زنده گی و کار خویش است که ساده ترین شکل مبارزه بشمار میرود. کارگران در جریان مبارزه اقتصادی از کارفرمایان افزایش دستمزد، تقلیل ساعات کار و روز کار و غیره را مطالبه میکنند. معمولترین شیوه مبارزه اقتصادی کارگران بیان مطالبات شان است که هر گاه مورد قبول کار فرمایان قرار نگیرد، کارگران دست به اعتصاب میزنند.

کارگران بمنظور دفاع از منافع اقتصادی خود سازمانهای کارگری یعنی اتحادیه های کارگری (ترید یونیون)، صندوقهای تعاونی، کوپراتیفها و غیره تشکیل میدهند.

هر کارگر (حتی کم شعور ترین آنها از لحاظ سیاسی) ضرورت حمایت از منافع فوری اقتصادی خویش را زود درک میکند. از همین جهت است که مبارزه اقتصادی از لحاظ تاریخی نخستین شکل مبارزه طبقاتی کارگران و مبدا نهضت کارگری محسوب میگردد. در شرایط معاصر دفاع از مطالبات اقتصادی حتی در کشور های که نهضت طبقه کارگر نیرومند و از لحاظ سیاسی عالی است، نقش بزرگی را ایفا مینماید. دامنه مبارزه طبقه کارگر برای دفاع از منافع اقتصادی خویش حتی در شرایط سرمایه داری بسط می یابد و در اثر این شکل مبارزه کارگران امتیازات زیادی را از بورژوازی بدست میآورند. لذا پیش آهنگان طبقه

(ص ۳)

د فوق العاده ملی محکمی

تشکیل

د هغو اشخاصو او عالی رتبه مامورینو د محاکمې او مجازاتو په مقصد چه د خلکو په حقوقو، فردی او اجتماعی آزادیو یی تیری کړیدی او د خلکو او دولت له مالونو څخه یی ناروا او زیات ثروتونه او شتمنی په لاس راوړی دی، د ملی محکمو د تشکیل په لاره کی مجاهده کیږی.

د (خلک) دموکراتیک مرام اجتماعی چاری

کلونه کلونه کیږی چه د حاکمه طبقاتو او د هغوی د بی جلبه ارتجاعی او ظالمو سیاسی محافلو د جهنمی استبداد کړی، د ټول هیواد د بی دفاعو او مظلومو خلکو مړی نیولی ده، د توری ارتجاع دسایس او استعماری چپاولګر عوامل دا کړی ورځ پر ورځ پسی تنګوی او ملیاردونه افغانی ملی شتمنی او عامه اموال د رسمی او با نفوذو داړه مارانو د ناوړی استفادی مورد ګرزیږ قتلونه، ربړونه، ځورول او بی محاکمی اوږده حبسونه، بډی اخیستل د دولت له شتمنی او د زیار ایستونکو خلکو له غوښو مانی جوړول، دا ټول داسی حقایق دی چه په هیواد کی هیڅ قوت د هغوی څخه انکار نشی کولای. افغانستان ځپل شوی خلک د دی ټولو بشکاره او دردوونکو فجایعو او بی جلبیو شاهدان دي.

سر بیره پر دی چه د دی غم ځپلی خاوری خلک، د ژوند د ډیرو ابتدایی حقوق او آزادیو څخه

(۲ مخ)

پایان مارش قهرمانانه کارگران تفحصات

پترول شبرغان

خبرنگار پرچم به تعقیب اطلاعات قبلی در مورد مارش ظفر نمون کارگران تفحصات پترول شبرغان اطلاع میدهد که عدهً کثیری از کارگران و شاگردان و گروهی از روشنفکران مترقی شهر پلخمری روز ۲۲ ثور بپاس حمایت و اظهار پشتیبانی و همدردی، با کاروان مارش کننده گان شبرغان از شهر پلخمری جانب رباطک (٤٠ کیلومتری پلخمری) تظاهر کنان حرکت کردند و مارش را با مارش تجلیل و استقبال نمودند.

اطلاع میرساند، هنگامیکه گروه کارگران نساجی و سمنت غوری از مقابل مرکز پروژه پلخمری- شبرغان عبور میکردند، قوماندان پروژه به افراد عسکری تحت فرمان خود دستور داد که از پیشروی کارگران جلوگیری بعمل آرند. ولی کارگران اجیر پروژه بحمایت از کارگران پلخمری اخطار دادند که نباید افراد قوایکار که هرگز وظایف پولیس را بدوش ندارند، مزاحم کارگران مارش کننده شوند.

مارش استقبال خاصتا برای شاگردان کم سال در زیر آفتاب سوزان دشوار بود، لیکن دهقانان و روستائیان و کوچیان که در راه باین جوانان شادباش میگفتند، هر کمک مقضی را با ایشان کردند. شاگردان که دسته اول مستقبلین مارش کننده را تشکیل داده بودند، با دادن شعار های زنده باد کراگران مبارز و دلیر تفحصات ... مرده باد ارتجاع و ... مرده باد استبداد و ... راه بین پلخمری و رباطک را پیمودند.

مقامات حکومتی که جوشش عظیم طبقات محروم پلخمری و تاثرات عمیق عامه اهالی شهر و دهات آنجا را درک کرده بودند، با عجله و به منظور دفع الوقت که شیوه همیشگی آنهاست، دست زده و سخت کوشیدند تا از بهم پیوستن امواج کارگران قهرمان شبرغان و گروه کارگران پلخمری جلوگیری نمایند. اطلاع میرساند، در همین روز در قدم اول قوای ژاندارم (که از ولایت کندز احضار شده بودند) باصطلاح نقاط حساس شهر پلخمری را تحت مراقبت و کنترول قرار دادند و در قدم دوم عده یی از پولیس و ژاندارم بغلان و پلخمری مارش کننده گان شبرغان را با وضع رقتباری در توقفگاه رباطک بمحاصره کشیدند و با هر نوعی که بود، انانرا که خیلی هم ناتوان و مستهلک شده بودند، در موتر ها انداختند و از یک راه خامه فرعی بطرف فارم دولتی پوزهٔ ایشان حرکت دادند. و گویا از

(ص ۳)

مارش ظفرنمون کارگران ــ سیاست دفع الوقت حکومت

هیئات حاکمه کشور از آزادی و دموکراسی و بیداری شعوری خلقهای افغانستان میترسند !

«متن استیضاح نور احمد وکیل پنجوایی قندهار از حکومت»

موضوع اول استیضاح عبارت است از اعتصاب، تظاهرات و مارش کارگران تفحصات پترول شبرغان. مارش مسالمت آمیز و قانونی توام با انظباط آهنین کارگران تفحصات پترول شبرغان، مایه افتخار خلق کارگر افغانستان و یکی از حوادث مهم اجتماعی و سیاسی کشور محبوب ماست.

نخستین خصوصیت این مارش تحمل، تصمیم، استقامت شکست ناپذیر و اتحاد مستحکم کارگران وطن ماست که نشان میدهد مردم کشور ما از دموکراسی دفاع میکنند و تعمیم دموکراسی خواست مبرم خلق افغانستان است. این مارش قهرمانانه کارگران به تلقیات و حرفهای مرتجعین که گویا استعداد هضم دموکراسی را ندارد و دموکراسی موجب هرج و مرج میگردد، جواب دندان شکن داد.

اکنون حکومت بناغلی اعتمادی در پیشگاه قضاوت عامه قرار دارد که آیا به خواستهای قانونی، مسالمت آمیز و دموکراتیک و مطالبات اقتصادی کارگران تفحصات پترول شبرغان جواب مثبت میدهد و یا همچنان مثل حکومتهای سلف خود جواب کارگران را با طرد از کار، گرفتاری، توقیف، حبس، شکنجه و حتی خون و آتش میدهد؟

ما معتقدیم هرگاه حکومت جواب قانونی و مثبت به کارگران ندهد و به مطالبات اقتصادی آنان جواب مثبت داده نشود، در حقیقت حکومت از یکطرف به یک اقدام افتخار آمیز کارگران کشور، که افتخار خلق

(بقیه ص ۲)

تظاهرات کارگران، دهقانان

و شاگردان لیسه میر مسجدی در ولایت کاپیسا

دهها پروژه دیگر در دشوار ترین شرایطی کار و زنده گی مینمایند.

تا جائیکه بملاحظه میرسد، خلق زحمت کش کهستان، با اینهمه تلاشهای عظیم ملی و کار خلاق ثمر بخش تولیدی خود، پیوسته با ظالمانه ترین شیوه یی استثمار می شوند و ستمهای گوناگونی را ملاکان، صاحبان وسایل تولید و بوروکراسی فاسد کشور بر آنان تحمیل مینمایند.

خبریال پرچم از گلبهار اطلاع میدهد که نسل جوان این گوشه وطن در مرحله کنونی جنبش و دموکراتیک کشور، باز مانند پدران مبارز دوران مبارزات ضد استعماری خود، شعور ملی و طبقاتی، شهامت مبارزه و اراده آهنین و شکست ناپذیر خود را در راه تطبیق ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی شجاعانه تمثیل مینمایند.

از پدیده های مشخص و آشکارای شعور طبقاتی مردم مبارزه علیه ستم سرمایه و بوروکراسی فاسد در آن گوشه کشور، یکی هم تظاهرات روز شنبه (۲۱ ثور) بود. این تظاهرات بساعت ۸ قبل از ظهر از طرف کارگران باتحاد شاگردان وطنپرست میر مسجدی و دهقانان کم زمین و بی زمین آغاز یافت. در حدود هشت ساعت جریان داشت و بیش از دو هزار کارگر، شاگرد و دهقانان در آن اشتراک داشتند. شعار های عمده و اساسی این تظاهرات مبارزه علیه استبداد، ارتجاع، بوروکراسی و ضرورت وحدت صفوف رزمنده خلق و همبستگی نیرومند کارگران، دهقانان و روشنفکران علیه دشمنان حیله گر دموکراسی، استقلال ملی، صلح و ترقی اجتماعی بود.

مطالبات عمده تظاهر کنندگان را همانا اعتراض شدید علیه ریاست فابریکه نساجی گلبهار در مورد ریختن آب بدرفت و ناپاک فابریکه در دریای پنجشیر، علیه مشکلات توزیع تذکره، نکاح خط، کود کیمیاوی و علیه پایین بودن سطح دستمزد کارگران، علیه بسته شدن نهر خرم، علیه بوروکراسی و برخی از صاحبان نفوذ محلی تشکیل میداد.

خبریال پرچم گفت: مردم کهستان در کلیه مطالبات قانونی و منطقی خود کاملا حق بجانب می باشند. مثلا در مورد بدرفت فابریکه: سال گذشته کارگران و دهقانان زحمتکش کهستان چندین بار عرایض و شکایاتی بمقام ولایت و سایر مقامات مسئول تقدیم داشتند و درین عرایض به وضاحت اظهار داشته بودند که آب ناپاک و بدرفت فابریکه در دریای پنجشیر میریزد و از آن بیش از دوصد هزار انسان در کاپیسا و سایر مناطقی که در مسیر دریا قرار دارند، آب مینوشند. بنا بر آن ریختن آب بدرفت در دریا به صحت و سلامت مردم صدمه میزند و باید مسیر بدرفت تغییر بخورد و ریاست نساجی گلبهار به مشوره ریاست

(ص ۳)

کهستانیان هندوکش مانند سایر خلقهای با شهامت افغانستان، سنن پرافتخار مبارزات قهرمانانه ضد استعماری و ضد استبدادی دارند. هنوز دلاوری و نام نیکوی میر مسجدی کوهستانی در قطار نامهای وطنپرستان و مبارزان ملی چون عبدهلله خان اچکزی، نایب امین الله خان لوگری، غازی محمد جانخان و میر بچه خان در سراسر افغانستان مورد ستایش و احترام خلق آزادی دوست وطن محبوب ماست. کهستانیان دامان کوهپایه های هندوکش، چه در دوران تسلط استعمار کهن و چه استبداد سیاه داخلی و چه بعد از پایان یافتن تسلط استعمار درین آب و خاک، دوشادوش دیگر هموطنان خود، بخاطر دفاع از تمامیت ارضی و تامین استقلال ملی نقش فعالی را ایفا کرده و میکنند و همین حالا نیز هزاران کارگر جوان کاپیسا و پروان در پروژه های مختلف، در فابریکه نساجی گلبهار، جبل السراج، فابریکه سمنت جبل السراج، در حفظ و مراقبت شاهراه سالنگ و در

افغانستان است، لطمه عظیم وارد میکند و از جانب دیگر این خود حکومت است که با ایجاد روش استبدادی در برابر خواسته های حد اقل خلق کارگر کشور، باعث اخلال نظم عامه میگردد.

قرار آخرین اطلاع، نمایندگان حکومت، آمرین ژاندارم و پولیس رویه ضد کرامت انسانی و ضد قانونی را علیه کارگران وطن پرست تفحصات پترول شبرغان، چه در طی مارش و چه اکنون که در دهنه غوری محاصره میباشند، راه انداخته اند. نمایندگان محلی حکومت سعی کردند که از طریق تطمیع و حتی بشکل بیشرمانه با رشوت دادن به کارگران وحدت آنها را از هم بپاشند.

وقتی اتحاد آهنین کارگران باعث یاس نماینده گان حکومت گردید، دست به تهدید و لت و کوب زدند.

عقل سلیم حکم مینماید که باید هیات فوق العاده یی که حد اقل روش انسانی داشته باشد، بحضور کارگران فرستاده شده و با تضمین فوق العاده یی که باعث اطمینان کارگران باشد به مطالبات اقتصادی و صنفی آنان تن در دهد. زیرا مشکل است که کارگران اطمینان کنند که بعد از ختم مارش با همه دسایس استبداد سیاه که تاریخ این کشور به آن ها آموخته است، مواجه نگردند.

در خاتمه استیضاح اول، جدا خاطر نشان میگردد که خواست ضروری و مبرم کارگران افغانستان است تا هر چه زود تر قانون کار و کارگر، به نفع طبقه کارگر و بر مبنای اصول مترقی و دموکراتیک وضع و در معرض تطبیق قرار گیرد.

ما اکنون انتظار داریم که بشاغلی اعتمادی صدراعظم موقف و تصمیم حکومت خویش را در برابر این مارش پرافتخار کارگران تفحصات پترول شبرغان توضیح نمایند.

موضوع دوم استیضاح روی مسایل عمومی و حاد کشور:

نکته مهمی که در محافل سیاسی افغانستان مطرح بحث است، همانا مسئله نقب گزاری در برابر قانون اساسی و بخصوص علیه یک سلسله آزادیهای محدود از قبیل آزادی نیم بند مطبوعات و اجتماعات است که درین اواخر در کشور جوانه زده است و به اصطلاح، گویا بشاغلی اعتمادی از خود یکنوع تحمل در زمینه نشان داده است ! و محافل سیاه ارتجاعی راست افراطی در هیات حاکمه دولت و هم در حکومت دست به انواع تخریبات، توطیه و تفتین میزنند، مثل اینکه برای این آقایان دموکراسی دشمن عمده و حیوانیست که آنها را خواهد بلعید.

از (ص اول)

مارش ظفرنمون کارگران ...

آیا بشاغلی اعتمادی طبق وعده که در خط مشی خویش داده بودند که در برابر جریانات سیاسی بیطرف خواهند بود و طبق قانون حرکت خواهند کرد، مطمئن استند که این روش از طرف تمام اعضای حکومت شان و اداره در افغانستان تطبیق میگردد؟

محافل سیاسی کشور تبصره مینمایند که تمام اعضای حکومت در این امر متجانس نیستند، یعنی در حکومت بسیارند کسانی که در برابر آزادی های دموکراتیک افراد و دموکراسی حساسیت مزمن دارند و برای شان قابل هضم نیست و ماهرانه به اتفاق ارتجاع سیاه تلاش میکنند که جوانه های آزادی را از ریشه بکشند و بخصوص فصل سوم حقوق افراد مندرجه در قانون اساسی را عملا از بین ببرند و علیه بعضی جریانات وطنپرست و ترقیخواه تحریکاتی را، مثل حکومات سلف شما، راه بیندازند. و از طریق تولید نفاق و زد و خورد ها و فتنه انگیزی (پرووکاسیون) در بین مردم آزادی خواه و دموکرات افغانستان اصل دموکراسی را بی اعتبار جلوه دهند.

همچنان حقایق زندگی روزمرهٔ اجتماعی ما نشان میدهد که قانون در کشور تطبیق نمی گردد و اعمال ضد قانونی و خودسرانه ماموران دولت هیچگونه جزایی ندارد، ارتشاً و دستبرد از بودجه ناتوان و خجالت آور دولت دیگر حد و حصری ندارد، ظلم و بیدادگری به اوج خود رسیده است. قدرت ارتجاع سیاه راست افراطی روزافزون است، فقر و بیماری مردم را تهدید به مرگ میکند، قوانین مربوطه یی که از طرف قوای ثلاثه دولت مورد تصویب قرار میگیرد، همه نشان دهنده محدود ساختن ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی است. حتی می توان گفت که بشکل بسیار ماهرانه و محیلانه، با تصویب قوانین جدید، تمام آزادی ها و حقوق مردم از بین برده میشود.

پلان سوم همچنان بصورت نیم بند باقی میماند، آهنگ رشد اقتصادی به صورت هلاکت باری بطی است. نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی استعمار نوین روز افزون است. سکتور دولتی اقتصاد روز بروز مورد دستبرد و توطئه قرار میگیرد. بازارهای کشور بروی تاجران دلال داخلی وابسته با استعمار جدید و نمایندگیهای انحصارات سرمایه داری بی رحمانه آزاد گذاشته شده، تجمع سرمایه برای سرمایه گذاری های بزرگ جهت صنعتی شدن کشور اصلا مفهوم اقتصادی ار در کشور ندارد.

مسئله مورد استیضاح اینست که آیا حکومت شاغلی اعتمادی به یکنوع مرض سیاست دفع الوقت دچار نگردیده است؟ آخر تا کی باید انتظار کشید و صبر کرد؟ آیا این وضع مسلط و هلاکت بار در کشور چطور می تواند برای وطنپرستان قابل تحمل باشد؟ استبداد، ارتجاع و نفوذ استعمار و بخصوص افسون مرتجعین که مردم را تخدیر می کنند تا چه وقت باید در کشور تسلط داشته باشند؟ وقتیکه تجربه ثابت کرده است که دیگر طبقه حاکمه مرتجع و ستمگر افغانستان و محافل حاکمه سیاسی آن از لحاظ ماهیت طبقاتی خویش نمی خواهند که راه رشد و تغییرات سریع بنیادی و کیفی را در کشور باز کنند، و وطن محبوب ما افغانستان و خلقهای رنجدیده کشور ما از یوغ استبداد، ارتجاع و استعمار رهایی یابند، پس اجازه بدهید که ما اعلان نماییم که خود خلق ها و نیروهای دلیر وطنپرست افغانستان راه خود را باز خواهند کرد و ارتجاع سیاه را لگام خواهند زد. تحقق این امر به مصالح کشور مطابقت دارد.

ورنه کسی بخواهد یا نخواهد، نهضت نوزاد افغانستان جدید راه خود را میگشاید زیرا بدون مبارزه پیروزی ممکن نیست. این قانون تکامل اجتماعیست، به اراده شخصی و یا کدام موسسه سیاسی تعلق ندارد.

شاغلی اعتمادی صدراعظم شیوه دیپلوماتیک را کنار گذاشته، روی این درد های ملی از نگاه و از لحاظ اینکه مسئولیت بزرگ بعهده شماست، توضیحات بدهید !

شاغلی اعتمادی صدراعظم ! بخود تکان دهید، به این استیضاح مشخص توضیح مشخص بدهید !

چرا هیئات حاکمه افغانستان از آزادی، دموکراسی و بیداری شعور خلقهای افغانستان میترسد؟

آیا آنها گمان میکنند وطن در خطر می افتد؟ آیا راستی طبقات حاکمه افغانستان دلشان برای وطن میسوزد؟ آیا آنها معتقدند که آزادی و دموکراسی راه پیشرفت و ترقی کشور را سد میسازد؟

کدام ترقی و پیشرفت؟ فقر، بیماری و جهل میلیونها هموطن؟ لطفا نمونه یی در جهان نشان بدهید که آزادی و دموکراسی علت این حوادث باشد. بالعکس این منافع طبقات حاکمه است

(در ص۴)

ترکمن دلینده پر شعر:

آزاد لق سسی

موندن او نگده هم آزاد لق سسی لری،
غریب خلق او ستنه کو له که اورت تی،
ارتجاع – ظالمه قرشی بولیبان،
بو پال یمانلر پرده سین بیرت تی.
***
بو حق سسی تا چه وقت لر نوتیلدی
یورک ده تو پلانب ینگدن پتیدلدی
ینه، »پرچم «آتلی اخبار بتیلدی،
مظلوم خلق ایشتب بر برین نورت تی.
***
کوپنگ منفعتین آ سنگ نظره
یولینده زحمت لر هیچ بولمزهره
سیز خلق دن بولسه کز شو یوله یوره،
دیبان »پرچم «بو زین یو زینه سورت تی.
***
عدالت و بر لیک آتسه اوقینی
کیسر ظالم- مستبد لر کو کینی
خلق دوشینسه البت آلر حقینی
دیبان ایشچی- دهقان بی باغین تارت تی.
***
پرچم نشری یلقم سا چمش بیز لره،
یوله نر میز هیچ با قمس میزا یز لره،
گونی گلسه باقمرس داغ و دوز لره،
(فر) هوه شویله دیب درینی آرت تی

(ا-فر) اندخویدن

(د لمړی مخ پاتې)

د فوق العاده ملی ...

محروم دی، اساسا زمونږ په هیواد کی تر اوسه پوری د «قانونیت اصل» یعنی د محرومو از زیار ایستونکو طبقو په ګټه د قانون تطبیق هیڅ مفهوم نلری، بلکه تل لکه یو تیره خنجر د حاکمه طبقی او د هغی ګوداګیانړو په لاس کی د خلکو پر ضد چلیدلی دی.

زمونږ په هیواد کی یا اصلا د خلکو په ګټه هیڅ قانون ندی شته شوی او یا که پدی وروستیو وختو کی »د قانون جوړولو نهضت « مینځ ته راغلی، نو قانون هیڅکله تطبیق شوی ندی.

د پاملرنی وړ سوال دا دی چه آیا تر اوسه پوری د افغانستان د دولت له خوا کوم کوچنی تصمیم هم نیول شویدی، چه په بنیادی او اساسی توګه د ظالمو ماموړانو لاس د خلکو له مړی نه لنډ کړی او هغه اعمال پای ته ورسوی چه بی جلبه، ضد قانون، او د محروم اکثریت د ګټو ضد دی؟ او یا په دولتی عناصرو د بی جلبه تاراکونو د مخ نیوی په غرض کومه کوچنی تصفیه د دولت په دستګاه کی وشی؟

هیڅکله نه !...

په هیواد کی بی جلبه، د قانون ضد او د زیار ایستونکو پرګنو د ګټو پر ضد اعمال له بشپړی آزادی نه برخوردار دیږ ماموړان و او دولت پراخ تشکیلات ګرد سره د خلکو د ځان بلادی او پخپلو تیرو غاښونو د افغانستان د ووی او فقیر ملت وینی زیښنی، حتی د دولت یو عادی مامور د هیواد په ډیرو لری سیمو کی، په کلیو او باندو کښی د بزګرانو د چرګو له هګیو نیولی د خلکو او دولت تر میلیونها وو افغانیو پوری شتمنی په بشپړ مصؤنیت او داډ لوتوړږ

تر څو دا خاینانه اعمال پای ته و نه رسول شی او تر څو د ټولنی غله د خلکو د هستی د تاراج او چپاول لپاره خلاص لاس او نا پایه میدان ولری، او د خلکو د ګټو او قانون پر ضد عمل وشی، اساسی قانون او د ربړ ګالونکو پرګنو اساسی آزادی به هیڅکله خارجی وجود پیدا نکړږ

باید نور نو دا بی جلبه اعمال پای ته ورسول شی، باید د دولت دستګاه د دی چپاولګرو پرازیتو، نا صالحو او فاسدو عناصرو له وجود نه ژر تر ژره پاکه شی او د اساسی قانون د دموکراتیکو ارزښتونو پر ضد توطئی دی پای ته ورسول شی.

د افغانستان د خلکو د دې حیاتی او فوری چاری لپاره او د ضد قانون، ضد منافع خلک او د اساسی قانون د دموکراتیکو ارزښتونو ضد اعمالو د نشئت کولو او د اختلاس، رشوت، او د خلکو او بیت المال له جیب نه د سترو غلاو د مخنیوی لپاره دې فوق العاده ملی محاکمې مینځ ته را نشی، داسی محکمې چه د افغانستان د خلکو اراده پر هغوی تسلط ولری او قانون او اجتماعی عدالت د حاکمه طبقی د فریب او نیرنګ آله نشیږ که چیری داسی محاکمه تشکیل شی او زمونږ په هیواد کی د قانون د خلکو له خوا وضع او د خلکو په ګټه تطبیق شی، نو د افرادو د آزادی او مصئونیت او اجتماعی ترقی پر خوا لاره به خلاصه شیږ

اما نه حکومتونه، نه د دولت نوری قواوی به د دی چاری په هکله کوچنی توجه هم وکړی، او دا ځکه چه تر اوسه پوری توره ارتجاع قوی او پیاوړی ده !

نو ځکه فوق العاده ملی محکمې تشکیل، د خلکو د آزادیو او حقوقو بسیا کول او هغو اشخاصو ته سزا ورکول چه د خلکو له آزادیو او هستی سره یی خیانت کړی او کوی یی، عامه شتمنی یی لوټ کړی او همدا راز د هغو مالونو او شتمنیو ضبطول چه د رشوت، غلا او د خلکو او دولت له جیبه یې په اختلاس را ټول کړیدی او په پای کی د افغانستان د ربړیدلو خلکو په ګټه د قانون عادلانه اجرا او تطبیق هغه وخت میسر کیدلی شی چه حکومت د خلکو د اکثریت په لاس کی وی او په دی تاریخی مرحله کی دموکراتیک او ملی حکومت تشکیل شی.

ترجمه از: «بری»

گوستا فو چیکو
-۳-

جولیوس فوچیک

اگر او سالم باشد همه چیز رو براه خواهد شد ...

ناگهان ماشین متوقف شد. در گشوده شد و ما بیرون شدیم. من در برابر عمارت سنگی که مردم با سکوت و سر شکستگی از مقابل آن میگذشتند قرار گرفتم – بانک قدیمی و مرکز فرماندهی فعلی گشتاپو – خانه رنج ملت چکوسلواکیا، کاخ بیکوف ...

محافظین مرا احاطه کردند و از آستینم گرفته بداخل عمارت می کشیدند. گشتاپو ها با عجله مرا به دهلیز تنگ و تاریک پائین می آورند.

دروازه دوزخ در نظرم نمایان شد... در رهرو آدمها با سگهای جسیمی که در کنار شان لمیده بود، ایستاده بودند. احساس میکردم که تیر های زهر آگین نگاه های سگها و مردان اس – اس در جانم نفوذ میکن و ذریعه لفت بیکی از منزلهای بالایی به اتاقیکه از دود سگرت انباشته بود رفتیم.

بمن گفتند، به چوکی دومی بنشینم. سکوت مرگبار بر اتاق مسلط بود و فقط صدای غرغر اس – اس و گشتاپو که با کالای ملکی ملبس بودند، سکوت را برهم میزد. مردم با سنگینی حرکت میکردند. گویی خشم و وحشت در کمین نشسته بود. همه چیز برایم غیر عادی بود. فکر میکردم در تیاتر برای تماشای نمایش وحشت نشسته ام. چوکیهای مقابلم پر از نفر بود. در اطرافم نیز نفر نشسته بود. وقتی پنهانی سرم را حرکت دادم، دیدم در لابلای تاریکی، کنار میزها و جوار دیوار مردم نشسته اند و یکعده هم کنار دیوار روبروی ما ایستاده بودند. دوسیه های متعدد زرد از ورای تیرگی و دود نمایان بود. سطح زمین با آجر روشن فرش شده بود.

دیدن چهره های پریده رنگ و زرد، بسان دیوار و چشمانیکه داغهای سیاه و قرمز در گرد آنها حلقه بسته بود، بر شدت هیجان درونی من می افزود.

دیگر در باره آن اتاقیکه من به حیث »چهارصدمین «زندانی نامیده شدم، چیزی نمی دانم. اتاقی بود نظیر اتاق های انتظار که مردم در آن مورد بازپرسی قرار میگیرند. گشتاپو برای آوردن قربانیان خود در آن شکنجه گاه می آمدند و بعد آنها را تحویل محلات وحشتناکتر دگر گشتاپو میکردند. زندانیان توسط محافظین محاصره بودند. آنها اجازه نداشتند حرکت کنند. سر خود را بچرخانند و یا محض یک حرف بزبان برانند.

تا آنجا که میتوانستم، نگاه کردم ولی در آن میان آشنایی نیافتم. این امر مرا دوباره مطمئن ساخت. من با احتیاط بدون آنکه توجه محافظین را بخود معطوف سازم، بدون چرخاندن سر، مردم جلو، عقب و مقابلم را مینگریستم. ناگهان چشم راستم با یک نگاه متوجه مردی که پهلویم نشسته بود گردید. سیمای او آشنا می نمود. با آنکه داغهای ضربه چهره او را تغییر داده بود، او شکل رفیق جلینک را داشت. بخود گفتم: «بی شعور...»

برای لحظه یی چشمانم را بستم. حتی جرأت بلند کردن دست و مالیدن چشمانم را از دست داده بودم، تا خود را از این رویا رها سازم. وقتی چشمهایم را دوباره گشودم، آن چهره هنوز آنجا بود. با وحشت درک کردم که راستی او رفیق جلینک بود.

در کجا دستگیر شده بود؟ ... چرا ؟ ... آیا او با جولیوس رابطه داشت؟ ...

دیدگان جلینک به طرف من گذر و سر خود را آهسته طوری تکان داد مثل اینکه بگوید: »ما همدیگر خود را هرگز نمی شناسیم «این حرکت او افاده روشنی، نظیر روشنی آتش نیمه سوخته داشت ... با حرکت غیر محسوس و مشابه او را تایید کردم: »ما همدیگر خود را نمی شناسیم .«نه ... او نباید بخاطر جولیوس اینجا باشد.

در کنار راستم یک معبر باریک به دروازه ختم میشد. سکوت گران دفعتا به آواز درشت چرخش دروازه شکست. در باز شد و سرم را غریزی و بی اراده گشتاندم. زنی داخل اتاق شد و گشتاپو ملبس با لباس ملکی با خشونت او را میکشید. با دقت بطرف او نگاه کردم.

او زن جلینک بود. دور چشمانش هاله سیاه نقش بسته بود. چهره اش غیر طبیعی و سرخ به نظر می آمد، پاهای خود را بشکل حرکت میداد من مستقیما بچهره او نگاه کردم. در برق روشن چشمانش کوچکترین آثار ترس نمایان نبود. با آنکه انعکاس برافروختگی آتشینی در آن میدرخشید، هر دو سر خود را مانند گذشته بطور نا محسوسی حرکت دادیم: »ما همدیگر خود را نمیشناسیم .« او با آهستگی و احتیاط بالای چوکی نشست و مانند یک زن، چین های پراگنده دامن خود را جمع کرد.

(باقیدارد)

مرجع نشراتی ... - اعلامیه انتخابی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته است

از (ص اول)

پایان مارش قهرمانانه کارگران تفحصات ...

بهم پیوستن دو موج هم رزم که از دریای واحد سر کشیده بودند، جلوگیری کردند و توانستند برای موقت جریان مبارزه قهرمانان پیشرو شبرغان را از مسیر احساسات و برخورد خروشان مستقبلین زحمتکش و شاگردان و عامه مردم وطنپرست پلخمری مستور کنند.

شاگردان پلخمری که نتوانسته بودند کمک ها و همدردیهای خود را به مارش کننده گان کارگر شبرغان برسانند، در بازگشت با کارگران نساجی و سمنت غوری دوباره بسوی پلخمری طی منزل کردند و بعد از پیمودن ۸۰ کیلومتر فاصله ساعت ۱۰/۳۰ شب بچوک وسطی شهر وارد شده و میتنگ عظیمی ایجاد کردند. اشتراک کننده گان حمایت همه جانبه خود را از مارش کننده گان شبرغان اعلام داشتند و ارتجاع و استبداد افغانستانرا که عامل ننگین اینهمه ستمهاست محکوم نمودند. میتنگ در حوالی ساعت ۱۲ شب بپایان رسید.

خبریال پرچم علاوه میکند که هنگام تظاهرات و مارش کارگران و شاگردان پلخمری در اثر بروز بعضی حوادث و برخورد ها با ماموران حکومت عده یی از کارگران و شاگردان آسیب دیده اند و بناغلی محمد نعیم شاگرد صنف ۱۱ لیسه پلخمری در اثر لت و کوب پولیس از پا درآمده و بعدا بحال کوما از فاصله ۴۰ کیلومتر بشفاخانه ملکی پلخمری منتقل شده است.

فردای روز مظاهره مقامات دولتی ولایت بغلان پدران و اولیای شاگردان صنوف ۱۱ پلخمری را بولایت جلب نموده و بر ایشان فشار آورده اند تا پسران خود را از اشتراک در مظاهرات قانونی و سایر جنبشهای مردم افغانستان منع نمایند.

قرار افواه مارش کننده گان شبرغان همان شب را در جوار پل هاشمی (نزد یک بغلان صنعتی) سپری کرده و گویا حکومت بمطالبات ایشان تن در داده است. اما تا کنون اطلاعات موثوق و روشن در باره چگونگی حل موضوع بدست نیامده و پرچم با تمام سعی جریانرا دنبال می کند تا واقعیات موضوع باطلاع مردم رسانیده شود.

هرگاه مقامات مسئول حکومت در برابر مطالبات قانونی و معمول اقتصادی و صنفی کارگران قهرمان و با شهامت تفحصات پترول شبرغان، که با نیرومندی و استواری بی سابقه یی در راه تامین آن مبارزه کردند، برخورد قانونی نکند و به آن جواب مثبت ندهد، پرچم بنا به مسئولیت تاریخی خود موضوع را جدا تعقیب و از حقوق کارگران شبرغان دفاع خواهد کرد. چنانچه تحت احساس همین مسئولیت نوراحمد وکیل پنجوایی عضو فرکسیون دموکراتیک خلق در ولسی جرگه هنگام جلسه استیضاح تاریخی ۲۴ ثور از بناغلی اعتمادی صدراعظم در مورد عمل حکومت در برابر کارگران تفحصات شبرغان توضیحات روشن خواسته است که در شماره امروزه پرچم منتشر شده و قرار است بناغلی اعتمادی فردا توضیحات حکومت را درینمورد به ولسی جرگه ارایه کند و پرچم این توضیحات را باطلاع عامه خواهد رساند.

(بقیه ص اول)

طبقات و مبارزه طبقاتی

پرولتاریا یک جریان پیچیده است که کندی و سرعت آن منوط است به شرایط مشخص در هر کشور. درست است که بهترین مکتب برای رشد شعور طبقاتی کارگران، مبارزات روزمره بشمول مبارزه برای منافع فوری آنهاست، ولی این شکل مبارزه کافی نیست. برای اینکه طبقه کارگر به یک سطح عالی شعور طبقاتی نایل آید و بمنافع طبقاتی و بوظیفه عظیم تاریخی خود آگاهی یابد، به یک شکل مبارزه ایدیولوژیکی خاص نیازمند است. از همه اولتر مبارزه ایدیولوژیکی کارگران مستلزم داشتن یک جهانبینی، یک تیوری علمی ایکه بتواند راه آزادی طبقه کارگر را نشان دهد میباشد، زیرا بدون تیوری علمی پیشرو، نهضت پیشرو نمیتواند وجود داشته باشد. اساسا تیوری عبارت است از تجربه نهضت کارگری تمام کشور ها ولی باید جدا در نظر داشت که هر گاه تیوری یعنی علم با پرتیک (عمل) مبارزه توام نگردد، از آن چیز بی موضوعی برون خواهد شد. طوریکه اگر عمل راه خود را با مشعل تئوری روشن نسازد، آدم کور و نابینا را ماند. میگویند: جنبش پیشرو (عمل مبارزه) کشتی است و تئوری پیشرو قطب نما، قطب نما بدون کشتی زنگ میزند و کشتی بدون قطب نما به گمراهی میرود. به این معنی تئوری رهنمای عمل است. باید خاطرنشان کرد که طبقه کارگر و یا منحیث المجوع تمام زحمتکشان «به علت نداشتن وسایل و کمی آموزش، قادر نیست چنین تئوری علمی پیشرو را که رهنمای عمل شان گردد، ایجاد کنند. این تئوری توسط روشنفکران که بسوی پرولتاریا آمدند، تدوین گردید.»

در جای دیگر گفته میشود که: «تاریخ تمام کشور ها گواهی میدهد که طبقه کارگر با قوای خود منحصرا میتواند آگاهی ترید یونیونیستی حاصل نماید، یعنی اعتقاد حاصل کند که باید تشکیل اتحادیه بدهد، بر ضد کارفرمایان مبارزه کند و دولت را مجبور به صدور قوانینی بنماید که برای کارگران لازم است و غیره. ولی آموزش سوسیالیسم از آن تئوری های فلسفی، تاریخی و اقتصادی نشو و نما یافته است که نماینده گان دانشور طبقات دارا و روشنفکران تتبع نموده اند ... موجدین سوسیالیزم علمی معاصر نیز از لحاظ موقعیت اجتماعی خود در زمره روشنفکران بورژوازی بودند ...» در جای دیگر اظهار میگردد که آگاهی سوسیالیسم «در کارگران اصولا نمیتوانست وجود داشته باشد. این آگاهی فقط از خارج کارگران ممکن بود وارد گردد.» باید در نظر داشت، طرفداری از جریان خود بخودی کارگران یک نظر اپورتونیستی (ابن الوقتی) است، «یعنی تئوری کرنش در برابر خودرو بودن نهضت کارگری و در واقع تئوری انکار نقش رهبری که لازم پیش آهنگ طبقه کارگر و حزب طبقه کارگر میباشد.» روی همین ملحوظ است که میگوید: «نقش یک مبارز پیش آهنگ را فقط حزبی میتواند ایفا کند که با تئوری مترقی رهبری شود .»

موجز اینکه عقیده سوسیالیسم تنها بر اساس پیشرو ترین تئوریهای فلسفی، اقتصادی و سیاسی ایجاد شده می توانست که این امر از طرف متفکرین بزرگ و پر نبوغی که تمام زنده گی و آثار خلاق خود را در راه مبارزه آزادیبخش طبقه کارگر وقف کردند، ایفا گردید. آنان با دقت علمی تعالیمی را بسط و تکامل دادند که در نتیجه آن منافع اساسی طبقه کارگر و ضرورت آزادی آنان از یوغ استثمار درک شد، راه رسیدن به هدف کشف و نابودی نظام سرمایه داری و ساختمان جامعه سوسیالیستی بحیث قانون تکامل اجتماعی ثابت گردید و همچنان تکتیکهای اساسی نهضت طبقه کارگر وضاحت پیدا کرد. ولی باید در نظر داشت که جهانبینی علمی طبقه کارگر که از طرف متفکرین بزرگ ایجاد شده است، فهرستی از پاسخ های جامد و خشک در برابر مسایل نیست که خلق کارگر در مراحل بعدی تاریخی در تحت شرایط جدید و اوضاع و احوال جدید با آن مواجه میگردد. برای اینکه جهان بینی علمی برای همیشه سلاح بران طبقه کارگر در مبارزه باشد، باید پیوسته با آن بصورت خلاق برخورد کرد و بر اساس معلومات جدید علمی و تجارب تازه ناشی از مبارزه طبقاتی ملیونها انسان آنرا غنا بخشید و رشد و تکامل داد، ولی باید دقت کرد که تئوری علمی و پیشرو طبقه کارگر پیوسته از طرف ایدیولوگهای بورژوازی عناصر فئودال و امپریالیست پرست و همچنان از طرف رفورمیستها و تجدید نظر طلبان راست و «چپ» مورد حمله قرار میگیرد. لذا مبارزه بمنظور پاکیزه نگهداشتن جهان بینی علمی «مبارزه علیه دشمنان آن از هر قماشی که باشند و قبل از همه علیه ایدئولوژی ارتجاع امپریالیستی در زمره مبارزه ایدئولوژیک است » زیرا ارتجاع امپریالیستی جمیع وسایل دشت داشته خود را تجهیز میکند تا تئوری مترقی و پیشرو را لکه دار سازد و از سرمایه داری دفاع کند. ارتجاع امپریالیستی در زیر شعار های دروغین ضد جهان بینی علمی تمام چیز هائیرا که مترقی و پیشرو است مورد حمله قرار میدهد و در صفوف خلق کارگر و نیروهای مترقی تفرقه ایجاد میکند، نهضت را بدنام میسازد و اراده مبارزه را در میان زحمتکشان خنثی می سازد. اکنون تمام دشمنان ترقی و پیشرفت اجتماعی (صاحبان قدرت مالی، سرمایه داران انحصاری، نژاد پرستان و دار و دسته میلیتاریسم، فاشیستها و سران مرتجع استثمارگران و ملایان ...) همکاران طبیعی و سیاسی و مسلکی ارتجاع امپریالیستی، باهم متحدانه و برای بقای منافع طبقاتی خویش (که بصورت قطع محکوم بزوال اند) به اصطلاح تئوری های تازه بتازه اختراع میکنند. ولی علی رغم این تلاشهای مذبوحانه مدافعین نظم کهنه، ایدئولوژی مترقی و پیشرو به کامیابیهای نوین و نوینتری نائل میشود. زیرا این ایدئیولوژی چون صخرهٔ مستحکم بر مبنای علم پیشرو، بر اساس منافع حیاتی طبقه کارگر و اکثریت عظیم جامعه بشری که شیفته صلح و آزادی و ترقی استند، استوار است.

در خاتمه این بحث، خاطرنشان میگردد که: با تدوین و درک تئوری علمی و پیشرو، وظیفه نیروهای ترقیخواه و پیشاهنگ انجام نمی یابد، بلکه آغاز میگردد. به این معنی که ئس از ایجاد و درک این تئوری باید آنرا تبلیغ و ترویج کرد و در افکار خلق کارگر رسوخ داد، شعور طبقاتی و سیاسی طبقه کارگر را ارتقا داد، جریان خودرو و خود بخودی آنها را تبدیل به جریان شعوری کرد و سطح آگاهی آنها را بالا برد تا کارگران بتوانند ماموریت تاریخی و نقش پیشاهنگی خود را برای نجات تمام خلق اعم از دهقانان، پیشه وران و خرده بورژوازی و روشنفکران از قید اندیشه های بورژوایی و رفورمیستی ایفا کند و آنها را با خود متحد سازد. باز هم باید جدا در نظر داشت که مبارزه ایدئولوژیک نیز مانند مبارزه اقتصادی بالذات هدف نیست. این مبارزه تابع وظایف سیاسی جنبش یعنی تابع تغییر بنیادی و کیفی روبنای سیاسی جامعه و غلبه بر نیروهای سیاسی مخالف طبقه کارگر و خلق کارگر یک جامعه است که بنام مبارزه سیاسی یاد میشود و ما در شماره آینده آنرا مطرح بحث قرار میدهیم.

اقتصادی تعریفونه او اصطلاحات

ماخذ: د علم اقتصاد رساله

پشتو

د انسان احتیاجات: ددې لپاره چه انسان ژوند و کولی شی یو لړ معینو اشیاوو ته اړتیا لری چه د ټولنی د تکامل د درجی په اعتبار توپیر پیدا کوی. پخوا تر هرڅه انسان داسی شیانو ته ضرورت لری چه د ده لومړنی اړتیاوی لکه خوراک، پوښ، استوګنځی او نور تامین (بسیا) کاندی مګر هر څومره ټولنو زیات تکامل کړی وی، په هماغه اندازه د دې مادی لومړنیو اړتیاوو اندازه زیاته مفصله او متنوع کیږی او همدا راز یو لړ نور شیان چه په فوری انسانی اړتیاوو پوری ندی تړلی، اضافه کیږی. د اوسنی متمدن انسان د اړتیاوو په باره کی یو لنډ تحقیق او له نږدی ماضی سره د هغه مقایسه دا حقیقت ثبوت ته رسوی.

هغه شیان چه د انسان اړتیاوی رفع کوی، مادی غوښتنی یا مال بلل کیږی.

دری

احتیاجات انسان: برای اینکه انسان بتواند زنده گی کند، به یک سلسله اشیای معین احتیاج دارد که بر حسب درجه تکامل اجتماع متفاوت اند. قبل از هر چیز انسان نیاز به اشیایی دارد که بتواند حوایج اولیه وی از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و غیره را تامین نماید. ولی هر قدر اجتماعات تکامل یافته باشد بهمان نسبت فهرست این قبیل احتیاجات مادی اولیه مفصلتر و منتوعتر میگردد و نیز یک سلسله اشیای دیگری که مربوط به حوایج فوری انسان است، به این فهرست اضافه میشود. یک بررسی اجمالی بصورت احتیاجات انسان متمدن معاصر و مقایسه آن با گذشته نزدیک، این حقیقت را اثبات میکند.

اشیاییکه احتیاجات انسان را به نحوی از انحا بشکل کل یا جز رفع میکند، خواستهای مادی یا مال استند.

از (ص اول)

تظاهرات کارگران ...

صحت عامه تدابیر صحی را درین مورد اتخاذ کنند. چون فابریکه نساجی گلبهار خانه های بدون کرایه و یک سلسله امتیازات دیگر را به مامورین عالی رتبه کاپیسا قایل شده است، بنا برآن اندکترین اعتنایی هم به تقاضاهای منطقی مردم نکردند و بعد از اینهم اگر مردم بصورت دستجمعی به مبارزه نپردازند، کسی بفریاد آنان گوش نخواهد داد.

خبریال می افزاید، اعتراض بجا و تقاضای عمومی دیگر مردم کهستان بخاطر سد شدن آن «نهر خرم» بود. سال گذشته سربند «نهر خرم» به همکاری وزارت زراعت و مردم کهستان پخته کاری شد. در آغاز کار مردم کهستان یک قسمت مصارف آنرا خود به عهده گرفته بودند ولی اکنون در حدود ۱۵ هزار جریب زمین مردم بجرم یک عده از متنفذین محلی که سهم خود را در مصارف اعمار بند نپرداخته اند، از آب بند محروم مانده اند. ازینرو دهقانان صدای اعتراض خود را با بانگ رسا علیه آمریکت پروژه بلند کرده فریاد میکشیدند: ما کفاره گناهان ملاکین بزرگ و ارباب نفوذ را نمی پردازیم. ما برای کشتهای خود آب می خواهیم، آبی که برای آن پول داده ایم و زحمت کشیده ایم.

موضوع دیگریکه نه تنها مسئله خیلی عمده مردم کهستان است، بلکه کلیه مردمان دهات کشور از آن رنج میکشند، مسئله توزیع تذکره می باشد.

دهقانان در برابر والی کاپیسا بیک آواز فریاد بر آوردند. گرفتن یک تذکره روزها، تپش، دوش و رشوه بکار دارد...!

همین حالا دهها و صدها دهقان و کارگر تهیدست را میتوان سراغ نمود که چون توان گرفتن تذکره را به فرزندان خویش ندارند، فرزندان آنان از حق تحصیلات اجباری ابتدایی محروم مانده اند. بنا بر آن مردم کهستان درین مطالبه خود نیز کاملا حق بجانب اند و این امر جدا قابل توجه پنداشته می شود.

موضوع نکاح خط نیز یکی از مسایل حاد مردم سراسر افغانستان است. بدست آوردن یکقطعه نکاح خط و طی مقررات قانونی آن روزها دوش و سرگردانی و ده چند قیمت اصلی پول و مصرف بکار دارد که این وضع خود مظهر بوروکراسی فاسد در افغانستان است.

در مورد توزیع کود کیمیاوی نیز اعتراضات قابل توجهی وجود داشت. مردم داد میزدند که کود کیمیاوی بجای آنکه به اکثریت انبوه دهقانان توزیع گردد، بیشتر ملاکان و متنفذین از آن استفاده میکنند و بازار سیاه آن در هر گوشه گرم است.

خبریال ما علاوه میکند که توفان خشم و هیجان خلق علیه استثمارگران برپا شده بود. مردم فریاد میکشیدند که کارد سرمایه داران به استخوان کارگران رسیده است. دیگر جز رگ و پوست، خونی برای خون آشامان قرن بیست باقی نمانده است. باید هرچه زودتر باین وضع تحمل فرسا خاتمه داده شود !

آخرین و گرمترین اعتراض تظاهر کنندگان علیه چند تن از چهار کلاهان محلی بود. مردم در برابر والی کاپیسا غریو می کشیدند که دست این کلاه بازان محلی را که پیوسته دشمن آسایش و رفاه مردم اند، از گریبان شان کوتاه سازد.

خبریال می افزاید: شاگردان لیسه نعمان پروان و جبل السراج ضمن نامه های پر شوری همبستگی خود را با کارگران، دهقانان و شاگردان بژون‌ځی میر مسجدی اظهار داشته و دفاع از مطالبات قانونی خلق کهستان را وظیفه ملی خود و سایر وطنپرستان و روشنفکران افغانستان پنداشته اند.

پرچم: تظاهرات خلق کهستان را نشانه رشد شعور سیاسی و طبقاتی و مظهر آمادگی مردم برای تطبیق ارزشهای دموکراسی تلقی کرده، امیدوار است که صفوف رزمنده خلق افغانستان بصورت آگاهانه، فشرده تر و با انضباطتر گردد تا بدین وسیله زمینه تحولات عمیق کیفی آینده کشور مهیا شده بتواند.

عضویت-کنگره پرچم-ادامه مبارزه طبقاتی در افغانستان

پرچم
د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ګڼ ورځپاڼه

وضع رقتبار کارگران پروژه

بلخمری– شبرغان قابل تاثر و توجه است

یک عده قابل توجه کارگران محروم کشور در پروژه پلخمری – شبرغان، در دل دشتهای برهنه و در زیر آفتاب سوزان جان میکنند و عرق میریزند و شب و روز با طبیعت سرسخت جهت هموار ساختن راه زندگی برای هموطنان خود نبرد می کنند، ولی به ظالمانه ترین شکلی استثمار می شوند و بیداد می کشند و همینکه کوچکترین عدم رضایت از وضع رقتبار خود نشان دهنند، چوب و کتک میخورند، به ایستادن در آب محکوم میشوند، حبس میگردند، توهین می شوند و بجزاهای مخالف کرامت انسانی محکوم می گردند.

کارگران این پروژه از ۱۲ تا ۱٤ ساعت بلاوقفه کار میکنند و آنانی که متاهلند و فامیل های شان در شهر است، همه روزه ٦ کیلومتر پیاده راه می پیمایند، ساعت ٤ صبح بطرف حوزه کار حرکت میکنند و در حوالی ساعت ۹ شب بخانه بر میگردند. اما آمرین پروژه هر یک سه – چهار موتر در اختیار دارند تا زمینه هوا خوری و شکار وابستگان شان نیز مهیا شده باشد. معهذا معاشی که این کارگران از اینهمه جانکنیها بدست می آورند، حتی مصارف خود شان را تکافو نمیکند، چه رسد به اعاشه فامیل های شان. و طرفه تر اینکه عده یی از آنها از ماه هاست روی این به اصطلاح معاش را هم ندیده اند، چنانچه به اکثر آنها از اواخر سال گذشته تا اکنون چیزی بنام معاش داده نشده، حتی برخی ازین کارگران ستمکش از شدت قرضداری روی رفتن بخانه های خود را ندارند و اما وقتی به آمرین پروژه عرض حال کنند، به جزا های تحمل شکن و اخراج از کار تهدید می شوند و یا به وعده های فریبنده یی که هرگز ایفا نشده مواجه می گردند.

تبعیضات نژادی و محلی و غیره و استفاده جویی های آمران، اکثر کارگران با سابقه را از کار بیکار و متواری ساخته و جای آنها را اشخاص ناشی و غیر وارد، ولی وابسته به فلان و بهمان آمر، اشغال کرده است.

اینست نمونه دیگری از حیات رقتبار کارگران کشور و نتیجه وجود قانون کار و کارگر در افغانستان. ما یکبار دیگر جدا این وضع تاسف آور را تقبیح میکنیم و وظیفه خود میدانیم تا از حقوق تلف شده آنان بصورت پیگیر دفاع نماییم.

از (ص ۲)

مارش ظفر...

که باعث در خطر انداختن وطن می گردد و مانع رشد سریع و کیفی و بنیادی کشور میشود. حقایق تلخ زندگی نشان دهنده این واقعیت است.

ببینیم شاعلی اعتمادی چه توضیحاتی میدهند !

شعار ما که: مبارزه علیه ارتجاع سیاه تا پیروزیست ! در مقابل محافل حاکمه سیاسی ارتجاعی کشور، بنا بر ماهیت طبقاتی خویش خواهند گفت دفاع از ارتجاع و استبداد بهمکاری استعمار تا سرحد مرگ شعار ماست. اگر چنین است، پس وطن و ملت چه شد؟

لطفا توضیح بدهید !

نابسامانی کارگران و ماموران

پایین رتبه در پروژه نساجی بگرامی

اداره پرچم درین اواخر یادداشتی از کارگران و ماموران کم رتبه نساجی بگرامی بدست آورده است که وضع رقتبار کارگران و ماموران و شرایط ناگوار کار را درین پروژه میرساند.

در یادداشت گفته میشود که مقامات اداری پروژه بگرامی با استفاده از طاعون بیکاری، که روز بروز گسترش مزید می یابد، کارگران فنی را بمنظور بی رحمانه ترین استثمار به »سیستم ساعت کاری «استخدام کرده اند.

این سیستم به آمرین اجازه میدهد در هر لحظه ایکه خواسته باشند، کارگران را از کار اخراج کنند و تحت اعمال هراس اخراج از کار، ظالمانه ترین بهره کشی را از کارگران بعمل آرند. کارگریکه میخواهد رانده نشود و بیکار نمایند باید خواهی نخواهی تن بهر نوع توبیخ داده و برای تحصیل فی ساعت (۳) افغانی و یا کمی بیشتر از آن از استهلاک آخرین قوای حیاتی خود دریغ نکند. شویه اخراج کارگران درین پروژه خیلی ساده است و درین جمله خلاصه میشود:

« دیگر بکار نیستی، برو، گم شو ! «

از شروع پروژه تا حال بیش از پنجصد کارگر در اثر کارهای مشقتبار سلامت و نیروی کار خود را از دست داده و از کار اخراج شده اند. گویا فعلا درین پروژه برای کارگران بجز مزد ناچیز و کار توان فرسا هیچ حقی وجود ندارد (آسمان دور و زمین سخت.)

و اما در مورد ماموران پایین رتبه، یادداشت نکات آتی را ثبت کرده است:

۱- تفاوت کوپراتیف ماموران را قطع کرده اند و درین مورد منطق آمرین پروژه اینست که معلوم نیست این ماموران از ردیف ماموران دولتند و ماموران موسساتی. چون ردیف معلوم نیست، مطابق بهیچ یکی ازین دو ردیف با ایشان معامله شده نمیتواند.

۲- وقت کار ماموران پروژه نسبت بماموران دولت در تمام فصول سال طولانی تر است و چون درین مورد هم ردیف شان معلوم نیست، اضافه کاری به به سیستم دولت و نه به سیستم موسسات قابل اجراً میباشد.

یادداشت در مورد ماکولات و وسایط حمل و نقل ماموران حقایق رقتباری را ثبت کرده است و علاوه میکند:

زمانیکه ماموران بغرض مذاکره روی این موضوعات با رییس پروژه روبرو میشوند، موضوف علاوه بر وضع بسیار خشن که عادت همیشگی اوست، بعضا به لت و کوب، و سیلی زدن پرداخته و حتی با وسایل روی میز ماموران عارض را مورد ضربت قرار میدهد.

در یادداشت از پرچم مطالبه شده است تا اینوضع را افشا نموده و شکایات کارگران و ماموران این پروژه را نشر نماید.

سوال اخیر اینست که ما چرا درین جلسه استیضاح ولسی جرگه بصورت مشخص، بسیار ساده حرف زدیم؟ جواب ساده اینست که بیسوادی مرض عام گشته و از تحلیل علمی ما تعبیرات سوً میگردد.

شاغلی اعتمادی آیا شما با ما همعقیده نیستید که اکثریت محافل حاکمه سیاسی کشور از درک حقایق علمی بدورند و سواد سیاسی ندارند؟ بلی ! این میراث استبداد، ارتجاع و استعمار است.

امیدواریم در زمینه های مختلفی که استیضاح شد، توضیح داده شود.

حقوق کارگران فابریکه خانه سازی

پامال میشود

از فابریکه خانه سازی اطلاع میدهند که ائتلاف حقوق کارگران شعب مختلف باعث ایجاد فضای عدم رضایت شدید کارگران از وضع موجود و برخورد ضد قانونی ریاست فابریکه بخواستهای قانونی آنان شده است.

کارگران فابریکه خانه سازی می خواهند کوپون مواد ارتزاقی برای شان داده شود، بیمه صحی داشته باشند و از رخصتیهای قانونی خویش در مواقع ضرورت استفاده کرده بتوانند.

ولی ریاست فابریکه نه تنها به این خواستهای قانونی آنان کوچکترین ارزشی قایل نمی شود، بلکه بدون موجب کارگران را از کار اخراج میکند، بعوض آنکه برای هر کارگر طبق استحقاق سالانه دو دست دریشی کار بدهند، بعد از هر دو سال یکدست دریشی آنهم در بدل پول نقد عنایت (!) میفرماید و تعجب آورتر از همه اینکه حتی در شعبه نجاری افزار کار را نیز بالای خود کارگران تهیه و خریداری می نمایند.

پرچم: در حالیکه مطالبات قانونی کارگران فداکار فابریکه خانه سازی را جدا تائید می نماید و مبارزه در راه دفاع از حقوق و خواسته های معقول آنانرا از وظایف اساسی خود میداند، دقت مقامات مسئول را به عواقب اعمال ضد قانونی و ضد منافع کارگران جلب می کند.

د عالی تخنیک، میخانییک او صنایعو د ښوونځیو

مظاهری

د استعماری کلچر په ضد د عالی تخنیک د شاګردانو د څو ورځو پر له پسی مظاهری چه په ممانعت او انضباط سره یی جریان درلود مربوطو مقاماتو له خوا د هغوی د صنفی مطالباتو په منل کیدو سره پای ته ورسیدلی.

خو د ظالمانه تعلیمی قوانینو او مقرراتو په ضد او صنفی مطالباتو د حاصلولو دپاره د میخانیکی او صنایعو د ښوونځیو د شاګردانو مظاهری د هغی په اوږدو کی جاری وی.

شاګردان څو ورځی پر له پسی له خپلو مربوطو ښوونځیو نه د منطقی مظاهری په شکل د پوهنی و وزارت په لور را تلل او بی له کوم څواب نه به د ښار په واټونو کښی ګرځیدل او د مړی دی وی استبداد او استعماری فرهنګ ! مور عالی تحصیلات غواړو ! شعارونه به یی ورکول او بیرته به خپلو ښوونځیو تع تلل.

د دغو ښوونځیو د شاګردانو مظاهری تر اوسه ادامه لری او د مربوطو مقاماتو له خوا هیڅ دول ځواب ورکړ شوی ندی.

ماموربن حکومت در سرپل

ولایت جوزجان ۷۰ تن از اهالی را شکنجه میدهند

خبریال پرچم از ولسوالی سرپل ولایت جوزجان اطلاع میدهد که چندی قبل دسته یی از دزدان نیمه شب منزل محمد عمر دوافروش را غارت کرده اند. غارتگران اهل خانه را بشمول زنان و کودکان بشکل بسیار وحشیانه مجروح نمودند.

مامورین امنیه ولسوالی بنا بر سنت سیاه اداره کهن، توسط قریه داران عده ایرا بنام اشخاص نامطلوب (!) و هرزه گرد (!) که تعداد شان به ۷۰ تن میرسد، حبس نموده و تحت انواع شکنجه های قرون وسطایی قرار داده اند، تا به جبر و اکراه اعتراف کنند و یا زیر شلاق جان سپارند.

اهالی فریاد می زنند: «اینها دزد نیستند، از شکنجهٔ بی شرمانه ایشان دست بردارید!»

پرچم: این رویه خلاف قانون ماموران دولت را که خیلی ننگین و ضد کرامت انسانی است، جدا محکوم نموده و مبارزه خواهد کرد تا مرتکبین اعمال ضد قانون که بر مردم بی دفاع شکنجه و توهین روا میدارند مورد بازپرس و مجازات شدید قرار گیرند.

اعتصابات و تظاهرات کارگران

فابریکه جنگلک

خبرنگار ما اطلاع میدهد که کارگران مبارز فابریکه جنگلک بنا بر عدم اعتنای مقامات مسئول بمطالبات شن، بتاریخ ۲٤ ثور مجددا دست باعتصاب زدند.

خواستهای قانونی کارگران پیشرو جنگلک عبارت است از:

افزایش دستمزد، قبول سالانه ۷۰ روز رخصتی با معاش، تهیه وسایل حمل و نقل از فابریکه تا محل سکونت کارگران و رسانیدن ایشان به فابریکه، انتقال پول ذخیره کارگران ببانک و اعاده با مفاد آن بعد از سبکدوشی از کار بکارگران، توزیع کوپون، رخصتی بعد از ظهر روزهای پنجشنبه، جبران معیوبیت کارگران در اثنای کار، بهبود وضع غذا و لباس کار، تشکیل اتحادیه کارگر، برسمیت شناختن روز بین المللی طبقه کارگر و غیره.

اما ریاست فابریکه باین مطالبات کارگران کوچکترین ارزشی قایل نشده و حتی حاضر نگردیدند درین زمینه با آنان داخل مفاهمه رسمی شوند.

کارگران جنگلک بدین مناسبت در صحن فابریکه میتینگهای پرشوری دایر و راجع به شرایط ناگوار کار، استثمار بی رحمانه و زندگی فلاکت بار خویش و برخورد خلاف قانون و ظالمانه مقامات مسئول سخنرانیها نمودند. این اعتصاب با گرمی و استواری قابل تمجید کارگران بروز های ۲۵ و ۲٦ ثور در داخل محیط فابریکه ادامه داشت. ولی چون گوش مسئولان فابریکه در مورد خواستهای اعتصاب کنندگان بدهکار نشد، آنان تصمیم گرفتند تا فریاد دادخواهانه خویش را بگوش همه برسانند اما حین حرکت از فابریکه بمقاومت شدید قوای ژاندارم مواجه شدند و در زد و خوردیکه بین آنان و پولیس واقع شد، چند تن از کارگران جراحت برداشتند.

بعد از ظهر روز مذکور کارگران قهرمان فابریکه جنگلک تحت شعار » نیرومند باد اتحاد طبقه کارگر و تمام طبقات محروم افغانستان «در جاده های شهر به مظاهره پرداختند که تا ساعت ٤ عصر ادامه نمود.

قرار اطلاع اخیر در اثر این مبارزات پیگیر و استوار کارگران بعد از ظهر روز ۲۹ ثور مقامات وزارت معادن و صنایع و فابریکه جنگلک بحضور کارگران حاضر شده و برای جواب به مطالبات قانونی کارگران مذکور تا روز ده جوزا مهلت گرفتند.

دو نفر از کارگران ریاست ساختمانی

شدیدا مجروح شدند

خبرنگار ما اطلاع میدهد که قبل از ظهر روز ۲٤ ثور دو نفر کارگر ریاست ساختمانی، بشاغلی محمد اعظم مسکونه جاغوری و بشاغلی محمد گل مسکونه غوربند، حین رنگمالی یکی از عمارات پولی تخنیک در اثر شکستن زینه، به زمین سقوط نموده و شدیدا جراحت برداشتند. کارگران مذکور فعلا در شفاخانه داخل بستر میباشند.

وقتی مصئونیت در حین انجام کار و پیشه های اجتماعی برای کارگران وجود نداشته باشد، ظهور چنین حوادث اسف انگیز و تباهی بسا از فامیل های کارگران امری ناگذیر است.

نمونه دیگری از دستبرد

متنفذین محلی بر املاک عامه

عده یی از متنفذین محلی در حوزه ولسوالی ده سبز به همدستی فعال حکومت، املاک دولت را که جزئی از دارایی عامه به شمار میرود، به فروش میرسانند.

گفته میشود که چند تن از ملکان و ارباب نفوذ، چمن وزیرآباد را که جزً املاک دولت است، به دستیاری مقامات مربوط، به قطعات کوچکی تقسیم می کنند و بالای اشخاص انفرادی به فروش قطعی میرسانند.

اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، ما آنرا دست برد خائنانه یی به دارایی عامه و نتیجه یی از اشتراک منافع و مساعی طبقات حاکم و عمال دولت درین زمینه دانسته، شدیدا محکوم می کنیم.

غیر قانونی اقدامات

د پرچم خبریالان د هیواد له اکثرو ولایاتو نه او له هغې جملی څخه له هرات، لوګر، فاریاب، بغلان او کندز نه اطلاع ورکوی چه پدی ولایاتو کی محلی مرتجعینو او ځینی دولتی مامورانو د پرچم موزعین او نمایندګان تر تهدید لاندی نیولی دی او د جریدی د خپریدو په لاره کی یې د قانون خلاف بندیزونه او خنډونه را پیدا کړیدي. مثلا د کندز په ولایت کی له موزغ نه غوښتل شویدی چه هغه کسانُ کوم چه پرچم را نیسی باید ځانونه معرفی کړی او په یوه پاڼه باندی لاسلیک وکړی. کله چه پوښتنه شویده چه دا نو ولی، په ځواب کی ویل شویدی چه دا د ولایت د استخباراتو د اداری هدایت دي. دا دی په هیواد کی د مطبوعاتو د آزادیٔ نمونه (!) پداسی حال کی چه اساسی قانون وایی: «... هر افغان حق لری خپل فکر د بیان، لیکلو، تصویر او هغه د امثالو په وسیله د قانون له احکامو سره سم اظهار کړی.»

پرچم

هره دوشنبه خپریږی

د تاسیس کال: د ۱۳۴۶ (کب)
د امتیاز خاوند او مسړول مدیر:
سلیمان لایق

آدرس: غوثی مارکیټ
محمد جان خان واټ
کابل، افغانستان

اشتراک

په مرکز کی د کال ۱۰۰ – افغانی
په ولایاتو او پښتونستان کی د کال ۱۱۰ افغانی
له هیواد نه د باندی د کال ۱۰ دالره
یوه ګڼه ۲ – افغانی

تایپ متن: فرهاد بارکزی، ویرایش جدید: عمر فیض

دولتی مطبعه